



حضور چشمگیر و گسترده مردم وفادار و قدرشناس تهران
در مراسم تشییع پیکرهای پاک آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی و همراهان

حماسه جمهور

راز یک بدرقه تاریخی

عزای عمومی از هند، پاکستان و تاجیکستان در شرق ایران که حوزه فرهنگی زبان فارسی است تا عراق، سوریه، لبنان و ترکیه در غرب ایران که بخش بزرگی از جهان اسلام را در بر می‌گیرد و کوبا در آمریکای لاتین که سمبل نظام‌های ضدامپریالیستی است، نشان داد اتفاقاً شهید رئیسی بسیار بهتر از اسلاف خود زبان تعامل با منطقه و جهان را می‌دانست. روز گذشته در حاشیه حضور روسا و نمایندگان دولت‌های خارجی در تشییع پیکر رئیس‌جمهور اسلامی ایران، وزیر خارجه مصر و رئیس‌جمهور تونس برای نخستین بار به تهران آمدند تا مشخص شود بسیاری از میوه‌های درخت سیاست خارجی شهید رئیسی پس از شهادت ایشان در حال رسیدن است.

نهایتاً به رغم آنکه پروژه‌های شهید رئیسی با شهادت ایشان ناتمام ماند اما وداع باشکوه و عزتمندانه مردم کشورمان و جهان با ایشان نشان از آن داشت که او هر چه اهل پاسخ دادن به توهین و اتهام نبود اما در عمل بهترین پاسخ‌ها را به دشمنان خود داد. به سستی می‌توان یک مقام اجرایی را پیدا کرد که با چنین شکوهی از سوی جمهور خود بدرقه شود.

دولت سیزدهم در کمتر از ۴ ماه نه تنها بدون برجام عضو شانگهای و بریکس شد که قفل‌های زیادی را در روابط منطقه‌ای ایران باز کرد تا جایی که شرایط امروز ایران در منطقه هیچ نسبتی با سال ۱۴۰۰ ندارد. دولت‌های عربی که سیاست‌های خصمانه علیه تهران را در دستور کار قرار داده بودند، در این ۳ سال همه به سمت ترمیم روابط با کشورمان آمدند، گام‌های اساسی برای برقراری روابط با مصر برداشته شد، ایران بار دیگر برای پیدا کردن جایگاه در اقتصاد آفریقا و آمریکای لاتین خیز برداشت، در آسیای مرکزی روابط ایران با تاجیکستان مجدداً از سر گرفته شد و تعمیق مناسبات با قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان مجدداً در دستور کار قرار گرفت. در حالی غرب‌گرایان به دروغ و برای تمسخر مدعی بودند شهید رئیسی در قامت رئیس‌جمهور اجازه حضور در مجامع بین‌المللی را پیدا نمی‌کند که حضور مقتدرانه ایشان در سازمان ملل باعث به استهزا گرفته شدن نماینده رژیم جنایتکار صهیونیستی در نیویورک شد. شهید رئیسی در جواب حملات ناجوانمردانه غرب‌گرایان نیز به جای اتلاف زمان و توان خود رو به عمل آورد و نتیجه آن را در همین روزهای پس از شهادت ایشان می‌توان به تماشا نشست. اعلام

دوره مدیریت غیرمردمی کشور که در آن حتی رنج ملت نیز به سخره گرفته می‌شد، قدم به قدم فاصله‌ها میان رئیس‌جمهور و مردم را کم کرد. او در این مسیر هم ترجیح داد به جای وارد شدن به مسابقه متلک‌پراکنی به مخالفان و پاسخ دادن به توهین‌ها در عمل مردمی بودن خود را نشان دهد و بار رسالت منتخب بودن را به دوش بکشد. تصاویر بدرقه باشکوه این شهید خستگی‌ناپذیر در تبریز، قم و تهران پاسخی روشن به پوچ بودن تمام ادعاهای دشمنان ایشان بود. کدام رئیس دولت غیرمنتخبی را می‌توان یافت که مردم برای بدرقه او کیلومترها صف بکشند و خود را داغدارش بدانند؟ شهید رئیسی با همان اصولی که به آن اعتقاد داشت جواب توهین‌ها را داد و در نهایت به همان شکل نمره قبولی خود را دریافت کرد که آرزوی او داشت.

دولت سابق که با قمار سیاست خارجی و زدوبند با آمریکا سکان قدرت را به دست گرفته بود و در پایان کار با کارنامه‌ای سراسر شکست این سکان را به شهید رئیسی تحویل داد، بارها در مقام تحقیر، منتخب مردم را به ناتوانی در فهم زبان جهان متهم می‌کرد. آنها بارها تاکید کرده بودند عضویت در پیمان شانگهای و ائتلاف بریکس نیز بدون برجام قابل تحقق نیست اما

جمهور قرار داده و نسبت به صفت منتخب بودن رئیس‌جمهور تشکیک وارد کنند. آنها کاهش نرخ مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ را که در عمل ناشی از عملکرد خودشان و سرخورده شدن حامیان‌شان بود، به عنوان دلیلی برای اثبات فرضیه غیرمردمی بودن دولت جدید پیش می‌کشیدند. در عالم واقع اما شهید رئیسی که با کسب بیش از ۱۸ میلیون رای، نصایب نزدیک به تمام روسای جمهور ۳ دهه اخیر را کسب کرده بود (دولت پنجم با ۱۵ میلیون، دولت هفتم با ۲۰ میلیون، دولت نهم با ۱۷ میلیون و دولت یازدهم با ۱۸ میلیون رای کار خود را آغاز کردند)، همواره در تلاش بود بخش قهر کرده جامعه با صندوق رای را که به طور سنتی بیشتر به پایگاه رای رقیبش نزدیک بودند نیز دوباره به مشارکت سیاسی دعوت کند. در عمل تکرار این اتهام که وجهی توهین‌آمیز نیز داشت مانع آن نشد که شهید رئیسی میان خود و مردم دیوار بکشد. ایشان علاوه بر حضور مستقیم در میان مردم که مثنی ثابت مدیریتی‌اش بود، در این سال‌ها دیوارهای میان دولت با همه اصناف و گروه‌ها را برداشت، به گونه‌ای که تقریباً تمام اصناف در این مدت کوتاه حداقل یک بار با رئیس‌جمهور جلسه مشترک داشتند. شهید رئیسی پس از یک

یکی از اتهاماتی که مخالفان شهید رئیسی برای تخریب وی روی آن پافشاری می‌کردند متهم کردن ایشان به مدیریت نمایشی بود. آنها که اساساً با مدیریت مردمی و عملکرد ضدادشرفی رئیس‌جمهور سر عناد داشتند در تمام این سال‌ها حضور مستمر و مستقیم ایشان در بین مردم و پیگیری‌های میدانی‌شان را نمایشی و عوام‌فریبانه می‌خواندند اما تقدیر الهی چنان رقم خورد که ایشان در حین همین پیگیری‌های میدانی که عمده مدیران از آن فراری هستند، جان خود را از دست دادند. شیوه شهادت آیت‌الله رئیسی در عمل اثبات این بود که منتخب مردم تا آخرین قدم در راه پیگیری مطالبات جمهور بود و در این مسیر نه خستگی می‌شناخت و نه به دل هراسی راه می‌داد. هر قدر مدت ریاست ایشان بر قوه مجریه کوتاه بود اما تقریباً هیچ نقطه‌ای از ایران و هیچ بحرانی در این سال‌ها را نمی‌توان پیدا کرد که شهید رئیسی در آن حضور نداشته باشد. نهایتاً شهادت ایشان در این مسیر پاسخی روشن و ماندگار به همه اتهاماتی بود که به شکل لسانی پاسخش را نداد.

دشمنان آیت‌الله رئیسی از بدو آغاز به کار دولت ایشان همواره با برچسب دروغین دولت غیرمردمی به دنبال آن بودند که ایشان را مقابل

یادداشت **ارمیا عزیزی:** سرانجام رئیس شهید دولت سیزدهم روی دوش جمهور ایران در یکی از شلوغ‌ترین روزهای تهران بدرقه شد. حضور میلیونی مردم برای تشییع شهدای خدمت یکی از قاب‌های حماسی و در عین حال تلخ را در تاریخ معاصر کشور ثبت کرد.

شخصیت ویژه و منحصر به فرد این شهید از جهاتی یادآور ۲ شهید آشنای سال ۶۰ بود. او از سویی در زمان حیات خود مانند استاد خویش شهید بهشتی در معرض اتهامات و توهین‌های فراوانی قرار گرفت اما هیچگاه وقت و توان خود را صرف پاسخگویی به توهین‌ها نکرد و معتقد بود خدمت‌رسانی به مردم از هر پاسخی گیراتر است و از سوی دیگر شهادتش یادآور شهید رجایی بود که همانند او با دریافت پاداش شهادت مأموریتش در ریاست دولت به پایان رسید. از همین روز گذشته در پلاکاردهایی که مردم برای بدرقه شهید رئیسی در دست گرفته بودند بیش از همه از این ۲ شهید انقلاب برای توصیف جایگاه رئیس‌جمهور شهید خود بهره بردند. اما اتهامات به رئیسی چه بود و شهادت ایشان پس از ۳۳ ماه خدمت شبانه‌روزی به مردم چگونه به این اتهامات پاسخ داد؟